

رویکردهای حلی در احادیث مشکل دال بر «جا شدن دنیا در تخم مرغ»

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۳۰

پوران میرزایی^۱

چکیده

از جمله روایات مشکل در حوزه توحید، پاسخ معصوم علیه السلام به سؤال از جا شدن دنیا در تخم مرغ، بدون تغییر حجم طرفین است که پی آورد آن مواجهه با دو مشکل اساسی است: یکی ممکن دانستن امر محال عقلی با تمثیل از جا شدن تصویر اجسام در چشم، که از نظر محتوایی با اصل سؤال هم خوان نیست؛ دوم تعارض و دوگانگی در پاسخ به یک سؤال واحد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - استنتاجی به تحلیل این احادیث پرداخته و دریافته است که دانشوران، تنها دلالت ظاهری روایاتی را می‌پذیرند که این امر را محال شمرده‌اند و روایاتی را که با تمثیل مجازی از جا شدن دنیا در چشم، به حل مسأله پرداخته‌اند، تأویل و یا انکار می‌کنند. در مقابل، روایاتی که بر ممکن بودن این امر، با ایجاد تغییر در طرفین دلالت دارند، بدون اظهار نظر باقی مانده‌اند که امروزه با نظریه‌های «هولوگرافیک» و «حذف فضای خالی اتم» در دانش فیزیک، می‌توان خوانشی جدید از آن‌ها ارائه کرد؛ به گونه‌ای که ظاهر بعید این روایات را ممکن جلوه دهد و راه حلی برای رفع تعارض به شمار آید.

کلیدواژه‌ها: تخم مرغ، هولوگرافیک، حذف فضای خالی اتم، اختلاف الحدیث، مشکل الحدیث.

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (mirzaee785@gmail.com).

با تشکر از دکتر قاسم اسدی از دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد، که بنده را در تجمیع آرای مرتبط با نظریه هولوگرافیک یاری کردند.

طرح مسأله

از جمله روایات مشکل در حوزه توحید، روایت معروفی است که پرسش راوی درباره امکان جا شدن دنیا در تخم مرغ، بدون تغییر حجم طرفین را بازگویی کند. یکی از نقل‌های این روایت، شرح سؤال زندیقی به نام دیصانی از هشام بن حکم است که آیا خداوند متعال قادر است دنیا را در تخم مرغ جای دهد؛ به گونه‌ای که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه دنیا کوچک؟! هشام که از پاسخ درمانده بود، با استمداد از امام صادق علیه السلام و با مثل زدن به جای گرفتن تمام آنچه در افق دید است، در مردمک چشمی که از عدس هم کوچک‌تر است، پاسخی اثباتی به دیصانی می‌دهد و این امر را ممکن می‌شمارد.^۲

این سؤال تنها از سوی دیصانی و در دوره امام صادق علیه السلام مطرح نشده، بلکه از سوی افرادی دیگر و از امامان دیگر نیز گزارش شده است.^۳ در گونه دیگری از نقل‌ها، قادر بودن خداوند بر چنین عملی، با ادبیاتی متفاوت، از زبان امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین و حضرت عیسی علیه السلام اثبات و بیان شده که خداوند، به ناتوانی وصف نمی‌شود و چه کسی قدرتمندتر از خدایی است که زمین را لطیف سازد و تخم مرغ را عظیم [سنگین].^۴

عجیب آن‌که در گزارش‌های دیگر، پاسخ دوگانه‌ای از سوی معصومان علیهم السلام به این سؤال داده شده و در مقابل روایاتی که تحقق چنین فرضی را ممکن دانسته‌اند، روایاتی نشسته‌اند که معصوم علیه السلام دقیقاً در پاسخ به همین سؤال، امکان چنین اتفاقی را نفی می‌کند و چنین امری را محال می‌شمارد.^۵

از این رو، در این دو دسته روایات با دو مشکل اساسی مواجهیم: اولین مشکل ناظر به گروه نخست است که انجام یک امر محال عقلی را با ذکر مثالی که از نظر محتوایی با اصل سؤال هم‌خوان نیست، به خداوند نسبت داده است. این صحیح نیست که خداوند که قادر مطلق و حقیقی است، به عجز وصف شود و نیز حتی وهم این‌که او بر چیزی قادر نباشد، جایز نیست؛^۶

۲. الکافی، ج ۱، ص ۷۹؛ التوحید، ص ۱۲۲-۱۲۴.

۳. این حدیث به نقل از امام رضا علیه السلام نیز با همین مضمون، اما با عباراتی متفاوت نقل شده است (التوحید، ص ۱۳۰).

۴. همان، ص ۱۲۷ و ۱۳۰.

۵. همان، ص ۱۳۰.

۶. الحاشیه علی أصول الکافی، ص ۷۶.

لیکن سؤال اینجاست که آیا می‌توان صرف احاطه مجازی یک جسم صغیر نسبت به جسم کبیر، آن را، همسان با جای گرفتن حقیقی یک جسم در جسم دیگر فرض کرد؟ به دیگر عبارت، سؤال راوی از جنس حقیقت است و پاسخ، از جنس مجاز؛ چه این که جای گرفتن تصویر و انعکاس نور اشیا در مردمک چشم، قرار گرفتن حقیقی یک جسم در جسم دیگر نیست. سؤال دوم، این که آیا امکان دارد که با لطیف کردن زمین، آن را در تخم مرغ جای داد و تنها اتفاقی که رخ دهد، سنگین شدن تخم مرغ باشد؟ این مباحث از جمله مسائلی است که این دسته از روایات را مشکل جلوه داده و نیازمند تشریح و تبیین کرده است.^۷

دومین اشکال، به تعارض و دوگانگی در پاسخ به یک سؤال واحد، بازمی‌گردد. بالاخره جا شدن بدون تغییر دنیا در تخم مرغ، شدنی است یا محال؟

از میان این روایات، تجویز امر محال بر خداوند متعال، روایتی است که مشکل جلوه کرده؛ وگرنه روایات نافی این امر، به تنهایی مشکل نیستند، بلکه در عرصه تعارض پیش آمده، نیاز به سخن از آن‌هاست. بنابراین، تحلیل روایات مذکور دو شاخه از دانش‌های فقه الحدیثی را به کار واداشته: دانش مشکل الحدیث و دانش اختلاف الحدیث.

تا کنون پژوهش مستقل حدیثی با رویکرد پاسخ‌دهی به پرسش‌های مذکور صورت نگرفته و عالمان علوم اسلامی، اعم از محدثان، متکلمان و ... بیشتر در قالب نگاشته‌های شرح الحدیثی، در میان کتب خود به تبیین مراد آن همت گماشته‌اند؛ دانشورانی نظیر سید مرتضی، محقق داماد، ملاصدرا، فیض کاشانی، قاضی سعید قمی، علامه مجلسی و ... کتاب شرح حدیث بیضه از رضی‌الدین محمد بن حسین خوانساری را می‌توان تنها اثر مستقل در شرح این حدیث دانست. مؤلف در این نگاشته کوشیده به شرح معنای حدیث از زاویه نگاه خویش پردازد؛ اما در آن سخنی از مسائل مطرح در مواجهه با این روایت و پاسخ‌های آن به چشم نمی‌خورد. از این رو پژوهش حاضر اولین نگاشته‌ای به شمار می‌رود که با روش توصیفی - استنتاجی در گردآوری مطالب و مقایسه تحلیلی داده‌ها، به طور مستقل به تجمیع، تبیین و تحلیل مباحث مطرح شده درباره این حدیث و پاسخ‌یابی پرسش‌های حول آن پرداخته است.

۷. الرسائل، ج ۱، ص ۴۱۱.

تحلیل منابع و خاستگاه صدوری و مکتوب حدیث

این روایات خاستگاهی فقط شیعی دارند. شیخ کلینی (م ۳۲۹ق) در الکافی^۸ با یک سند و شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در التوحید^۹ با پنج سند، منابع گزارش‌گر این دو دسته روایت‌اند. البته به جز کتب مذکور، شیخ طوسی در الاحتجاج نیز این حدیث را آورده، اما آن را تقطیع کرده و تنها به بخش انتهایی حدیث پرداخته که چون مشکل این حدیث در بخش ابتدایی آن است، نقل ایشان در زمرهٔ مصادر و منابع ناقل «حدیث مشکل» قرار نمی‌گیرد.^{۱۰}

بنابراین، خاستگاه مکتوب این حدیث به قرن چهارم بازمی‌گردد. اما از آنجا که این پرسش و پاسخ به نقل از امام علی، امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام، گزارش شده، نشان می‌دهد مفهوم توحیدی قدرت، از همان اوایل و صدر اسلام و حتی تا عصر امام رضا علیه‌السلام هنوز محل بحث بوده است و از تبیین ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام بی‌نیاز نبوده و از جمله مباحث کلامی مطرح به شمار می‌رود.

تحلیل متن و اسناد حدیث

همان‌گونه که گفته شد، در بحث از تعلق قدرت خداوند بر امر محال، با دو دسته روایت مواجه‌ایم: دسته اول، روایاتی که گاه با ذکر مثالی مجازی، از زبان امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام پاسخی اثباتی به سؤال راویان داده‌اند و گاه از زبان امیرالمؤمنین و حضرت عیسی علیه‌السلام، به حقیقت، این امر را شدنی و خداوند را قادر بر کوچک کردن دنیا و سنگین کردن زمین معرفی کرده‌اند. روایات این دسته، در بردارنده سه گونه نقل طولانی، متوسط و کوتاه‌اند. نقل طولانی با همان طرح پرسش دیصانی از هشام آغاز می‌شود و پس از فرصت گرفتن هشام از دیصانی و طرح مسأله خدمت امام صادق علیه‌السلام، این‌گونه پاسخ می‌دهد که همان خدایی که قادر است دنیا و آنچه در آن است و می‌بینی را داخل چشم تو که عضوی به اندازه عدس و یا کوچک‌تر از آن است جای دهد، قطعاً خواهد توانست دنیا را در تخم مرغی جای دهد. دیصانی نیز پس از شنیدن پاسخ از هشام، شخصاً نزد امام علیه‌السلام می‌رود و از ایشان خواهش می‌کند که او را به معبودش راهنمایی کند که امام با پاسخی شیوا او را هدایت می‌کند و این روایت با نقل

۸. الکافی، ج ۱، ص ۷۹.

۹. التوحید، ص ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷ و ۱۳۰.

۱۰. برای اطلاع از نقل شیخ رک: الاحتجاج، ج ۲، ص ۷۲.

چگونگی ایمان آوردن دیصانی، به پایان می‌رسد.^{۱۱}

نقل متوسط، پاسخ امام رضا علیه السلام به سؤال مردی است که از قادر بودن خداوند متعال بر جای دادن آسمان و زمین و آنچه در آن‌هاست در داخل تخم مرغ می‌پرسد و امام علیه السلام چشم او را مثل می‌زند که از تخم مرغ کوچک تراست و آسمان و زمین در آن قرار می‌گیرد و هرگاه خداوند اراده کند می‌تواند توان دیدن را از او بگیرد.^{۱۲} در آخر، نقل کوتاه، روایت امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین و حضرت عیسی علیه السلام است که در پاسخ به سؤال همسان راوی، ضمن تذکره به این نکته که خداوند متعال به عجز و وصف نمی‌شود، بیان می‌دارند که چه کسی توانا تر از خداست تا زمین را نرم و تخم مرغ را عظیم گرداند.^{۱۳} به دیگر عبارت، این امکان وجود دارد که زمین نرم شود و در تخم مرغ جای گیرد و در این صورت تنها اتفاقی که می‌افتد، سنگین شدن [عظیم شدن] تخم مرغ خواهد بود.

در مقابل، روایات دسته دوم قرار دارند که به ظاهر با دسته اول در تعارض اند؛ این روایات که به عدم تعلق قدرت خداوند بر امر محال قایل اند، به نقل از امام علی علیه السلام پاسخی سلبی به سؤال راویان داده‌اند.

امام صادق علیه السلام - که راوی پرسش سائلی از امیرالمؤمنین علیه السلام است - گزارش می‌دهد که امام علیه السلام ضمن تذکره به این که خداوند متعال به عجز و وصف نمی‌شود، می‌فرماید:

آنچه از من سؤال کرده‌ای، نشدنی (محال) است.^{۱۴}

احادیث مذکور در مجموع با شش سند (یک سند در الکافی و پنج سند در التوحید) روایت شده‌اند که از شبکه اسانید و تجمیع گزارش‌های آن‌ها (نمودار و پیوست ۱) برمی‌آید، مضمون این روایت با داشتن حداقل سه راوی در هر طبقه، از «مستفیضات» شیعه است.

رویکردهای حلی عالمان شیعی

در رویارویی با این روایات به ظاهر متعارض، عمدتاً اصل بر این قرار گرفته که روایات دال

۱۱. این روایت طولانی است. بخشی از آن به ضرورت ممانعت از اطاله کلام تقطیع شده است (رک: الکافی، ج ۱، ص ۷۹؛ التوحید، ص ۱۲۲-۱۲۴).

۱۲. التوحید، ص ۱۳۰.

۱۳. همان، ص ۱۲۷.

۱۴. همان، ص ۱۳۰.

بر غیر ممکن بودن تعلق قدرت بر محال، در مقام بیان حقیقت هستند و مراد استعمالی آن‌ها پذیرفتنی و بلاشکال است؛ اما روایاتی که به عکس، چه در قالب طرح مثالی مجازی و چه با فرض نرم شدن زمین، بر ممکن بودن قدرت بر محال، دلالت می‌کنند، ظاهری غیر قابل پذیرش دارند. از این رو بیشترین هم‌دانشوران، بر تحلیل روایات گونه دوم است. سؤال اینجاست که: آیا می‌توان تحلیلی از ظاهر روایات دسته دوم ارائه کرد که بدون تأویل، قابل پذیرش باشند؟!

عالمان با اخذ سه رویکرد «پذیرشی - تبیینی»، «پذیرشی - تأویلی»، و «انکاری» پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده‌اند.

الف - رویکرد پذیرشی

در رویکرد پذیرشی نسبت به این متون دو صورت مفروض است؛ یکی صورت ممکن و دیگری، محال.

صورت ممکن عبارت است از: لطیف کردن زمین و تغییر حجم آن و سنگین کردن تخم مرغ با بقای اندازه آن. صورت محال عبارت است از جا دادن زمین درون تخم مرغ با بقای حجم و اندازه کنونی، با فرض این که تخم مرغ به همان اندازه و وزن اول باقی بماند. عالمانی که از صحت ظاهری و ظهور تصویری این روایات سخن گفته‌اند، جملگی بر صورت ممکن متفق‌اند، نه بر صورت محال.

۱. تخلخل و حذف فضای خالی اتم

این فرضیه امروزه بیشتر از سوی دانشمندان معاصر متخصص در رشته‌های غیر دینی (شیمی و فیزیک) ارائه می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی گمان کرده‌اند شیمی دانان و فیزیک دانان مسلمان اولین ایده پردازان پذیرش ظاهری این روایات‌اند؛^{۱۵} حال آن‌که بسیار پیش‌تر، صدر المتألهین تلویحاً به این وجه اشاره کرده، اما نه با تطبیق بر نظریه علمی شیمی و فیزیک که در قرن بیست و یکم مطرح است.

ملاصدرا (م ۱۰۵۰ق) برای تشریح مراد از تلطیف زمین، داخل شدن جسم عظیم در صغیرا به

۱۵. حوار بین الالمهین و المادین، ص ۱۱۷.

نحو تخلخل (حذف خلل آن) ممکن دانسته است.^{۱۶} در ادامه نظر ملاصدرا، علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) نیز یکی از وجوه پذیرش را، حمل معنای ظاهری احادیث، به معنای هر آنچه می‌توان از معنای داخل شدن بزرگ در کوچک تصور کرد، دانسته که لازمه آن دگرگونی یک یا هر دوی طرفین است. این فرض، در خداوند متعال مقدور است؛ زیرا دیگر محال نیست؛ یعنی خداوند بر هر آنچه که دارای معنا و آمادگی است، قدرت دارد؛ اما امر محال، چیزی است که معنا و قابلیت نداشته باشد.^{۱۷} مطابق با این نظر، علامه مجلسی بدون این‌که به وجه خاصی از تغییر و دگرگونی طرفین اشاره داشته باشد، تنها این فرض را ممکن دانسته است. در واقع ملاصدرا و علامه مجلسی جای گرفتن این دو در هم را، مشروط به تغییر دانسته‌اند.

حالت ممکنه که این دو دانشمند فرض کرده‌اند، اما بیان آن، به دلیل نقص یافته‌های علمی بشری در عصر ایشان ممکن نبود، از سوی دانشمندان علوم تجربی معاصر به شکل یک تئوری قطعی بیان شده که به موجب آن، خوانشی علمی و متفاوت، از احادیث تعلق قدرت بر لطیف کردن زمین، ارائه می‌شود و پذیرش ظاهر آن‌ها بلا اشکال خواهد بود.

مطابق با آخرین نظریه‌ها، هر اتم دارای هسته و ابری از الکترون‌هاست که حول هسته در حال گردش‌اند. پروتون‌ها و نوترون‌ها ذرات سازنده هسته اتم بوده که به نوکلئون^{۱۸} نیز شهره‌اند؛ جرم پروتون ۱۸۳۷ برابر الکترون و جرم نوترون ۱۸۴۰ برابر آن است؛ از این رو الکترون‌ها نسبت به ذرات موجود در هسته، جرم ناچیزی دارند و عملاً جرم اتم ناشی از جرم هسته است.

اغلب فضای موجود در اتم، فضای خالی است، مقایسه حجم اتم و هسته آن گواهی بر این مطلب خواهد بود. حجم اتم را می‌توان با توجه به شعاع اتم محاسبه نمود؛ یک شعاع اتمی معمول برای اتم‌ها، برابر با یک آنگستروم^{۱۹} است؛ یعنی برابر با ده به قوه منفی ده متر (10^{-10}).^{۲۰} قطر هسته اتم نیز در بازه $1/7$ تا $11/7$ فمتومتر است^{۲۱}

۱۶. شرح اصول الکافی، ج ۳، ص ۳۰.

۱۷. مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۶۰.

18. Nucleon

19. Angstrom

20. *Physical Chemistry*, P: 8.

۲۱. با توجه به این‌که قطر دو برابر شعاع است، از این رو شعاع هسته اتم‌ها در حدود بازه $0/95$ تا $0/9$ فمتومتر خواهد بود که برای انجام محاسبات، شعاع معمول اتم‌ها ۱ فمتومتر فرض شده است.

(1.7×10^{-15} تا 11.7×10^{-15}) که عدد کوچک مربوط به قطر هسته اتم هیدروژن و عدد بزرگ اورانیوم است؛^{۲۲} برای مثال اگر یک کره به شعاع ۱ سانتیمتر را به عنوان هسته اتم در نظر بگیریم، الکترون‌های آن در فاصله یک کیلومتری از کره فرضی ما در حال حرکت خواهند بود! و مابین هسته و الکترون تماماً فضای خالی است. با در نظر داشتن قواعد هندسی که حجم کره‌ای به شعاع R را چنین محاسبه می‌کند: « $V = \frac{4}{3} \pi R^3$ » با فرض کره بودن اتم و هسته آن چنین نسبتی میان حجم آن‌ها خواهیم داشت:

$$\frac{V(\text{حجم اتم})}{V(\text{حجم هسته})} = \frac{\frac{4}{3} \pi \times (10^{-10})^3}{\frac{4}{3} \pi \times (10^{-15})^3} = \frac{10^{-30}}{10^{-45}} = 10^{15}$$

حاصل این نسبت بدین معناست که در درون یک اتم، 10^{15} هسته اتم جای می‌گیرد که این عدد نمایان‌گر فضای خالی بسیار اتم است. حال اگر فضای خالی داخل اتم‌ها را در بدن یک انسان حذف کنیم، کل بدن انسان در بخشی از نوک سوزن جا خواهد گرفت! پس اگر فضاهای خالی موجود در هر اتم را از بین ببریم، قادر هستیم یک انسان را در یک ذره غبار جای دهیم؛ چرا که ۹۹/۹۹ درصد از بدن انسان را فضای خالی تشکیل می‌دهد^{۲۳} و یا کل انسان‌های موجود روی کره زمین را در یک حبه قند فشرده کنیم. همین مسأله درباره کره زمین نیز صادق است؛^{۲۴} به این گونه که اگر فضای خالی میان اتم‌های زمین (فاصله بین هسته اتم با الکترون‌ها) را از بین ببریم، تمام حجم زمین با آن همه عظمت به اندازه، یک نارنج خواهد شد که در عین حال وزنش برابر وزن کنونی زمین یعنی ۵۹۷۲ میلیارد میلیارد تن باقی می‌ماند.^{۲۵}

بنابراین پاسخ علمی به این سؤال که آیا خداوند می‌تواند جهانی را داخل یک تخم مرغ بگنجاند به نحوی که جهان کوچک نگردد و تخم مرغ بزرگ نشود؟ مثبت است. شاید بتوان پاسخ امام علیه السلام را با این حالت ویژه تطبیق داد؛ یعنی مراد از لطیف کردن زمین، برداشتن خلل و فاصله از اجزای آن تا حد امکان، و سپس جا دادن آن درون تخم مرغ است، بی‌آن‌که حجم تخم مرغ بزرگ شود؛ هرچند از نظر وزنی، سنگین و ثقیل خواهد شد.

22. Table of experimental nuclear ground state charge radii: An update, P: 69-95.

۲۳. www.businessinsider.com تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۹/۱۵.

۲۴. روزنامه جام جم، شماره ۴۷۸۵ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴، ص ۲۰.

۲۵. رک: اطلاعات ناسا درباره زمین: www.nssdc.gsfc.nasa.gov تاریخ دسترسی: ۹۷/۱۱/۲۸.

البته این پاسخ ممکن است با دو اشکال مواجه شود: اول، این‌که با حذف فضای خالی بین الکترون و هسته به نوعی قواعد فیزیکی و معادلات حاکم بر اتم، ذره، جهان هستی و نیز مفاهیم فیزیکی تغییر بنیادی خواهد کرد. دوم، این‌که اگر اتم به نحوی تغییر کند که فضای خالی بین الکترون و هسته موجود نباشد، تخم مرغ نیز همسان با زمین، از این اصل تبعیت خواهد کرد و بسیار کوچک‌تر خواهد شد و نمی‌تواند دنیا را در خود جای دهد.

در پاسخ به این دو اشکال می‌توان گفت سؤال سائل از «امکان یا عدم امکان» چنین قدرتی است نه تغییر ماهوی و خلقی این دو، و پاسخ امام علیه السلام نیز بر همین «امکان» دلالت می‌کند.

۲. هولوگرافیک

در دنیای علوم تجربی وجه دیگری نیز از مفهوم تلطیف زمین ارائه شده؛ به این معنا که مراد از تلطیف زمین، انعکاس تصویر آن در عدسی چشم است که در واقع تصویر، همان است، اما حالت لطیف شده آن در چشم جای گرفته، بی آن‌که در هیچ یک از طرفین تغییری رخ دهد. این پدیده که در دنیای علم امروزی به «هولوگرافیک» شهره شده، بسیار همسان با همان پاسخی می‌نماید که از سوی امام علیه السلام در قالب یک مثال (جا شدن دنیا در مردمک چشم) طرح شده و دانشوران اسلامی آن را بر مجاز حمل کرده‌اند.

شاید بتوان از زبان دانشمندان فیزیک، کوانتوم و فیزیولوژی، تشریح زیبایی از تمثیل امام علیه السلام ارائه کرد. پدیده هولوگرافیک بسیار پر دامنه است اما آنچه در تبیین کلام امام علیه السلام می‌توان از آن بهره جست، مباحث مطرح در حوزه «تصویر سه بُعدی ایجاد شده در هولوگرافیک» است. حالت سه بُعدی یک هولوگرام گاه چنان واقعی و متقاعدکننده است که می‌توان دور و بر آن قدم زد و از زوایای مختلف آن را نگاه کرد. ولی چنانچه بخواهید به آن دست بزنید، انگشتان شما از میان آن رد می‌شود. برخلاف عکس‌های عادی، هر قسمت از تکه‌های فیلم هولوگرافیک، تمام اطلاعات کل فیلم را در بردارد. بنابراین چنانچه یک صفحه هولوگرافیک را تکه تکه کنیم هر تکه شامل کل تصویر است.

بینایی نیز امری هولوگرافیک است؛ ماهیت هولوگرام، بر پایه تئوری «کل در هر جزء است» بنا شده. در این پدیده به خوبی دیده می‌شود که یک جزء کوچک از تصویر می‌تواند تصویر کاملی از شیء مورد نظر را مصور نماید. مغز تصاویر را با به کار بردن نوعی هولوگرام درونی ایجاد و صادر می‌کند پس یک تکه کوچک از هولوگرام نیز می‌تواند تمام آنچه را که چشم

می بیند بازتولید کند.^{۲۶}

بنابراین، در پاسخ به پرسش بالا که آیا خدا می تواند جهان را در تخم مرغ جای دهد؟ می توان گفت که خدا جهان آفرینش را به همین نحو ساخته است و در ذره ذره ذرات هستی، جهانی را نهفته و قدرت خود را نشان داده است. همان طور که هر بخش از یک هولوگرام مشتمل بر تصویر کل آن است، هر بخش از عالم نیز کل آن را در خود پوشانده؛ پس تصویر بخشی از عالم در چشم در حقیقت تصویر سه بعدی کل عالم خواهد بود. از این رو مثال امام علیه السلام مبنی بر همسانی انعکاس تصویر دنیا در چشم با جای گرفتن دنیا در تخم مرغ، از باب مجاز نیست بلکه گزارشی از یک حقیقت است؛ حقیقتی که جهان همواره با آن سرو کار دارد.

ب - رویکرد تاویلی

عمده دانشوران اسلامی روایاتی را که به «نفی امکان» و یا «امکان جا شدن تصویر دنیا در چشم» دلالت دارند، با طرح هفت وجه معنایی به تاویل برده اند. در حقیقت این دانشوران معنای تصویری که از قِبَل مفردات و ترکیبات به ذهن متبادر می شود را نمی پذیرند اما با فرض مراد حقیقی معصوم علیه السلام بر معانی تاویلی، آن را پذیرفتنی می انگارند.

۱. اشاره به نقص مقدر، نه نقص قادر (فاعل)

بسیاری از عالمان^{۲۷} بر این باورند که خداوند متعال به عجز و ناتوانی وصف نمی شود بلکه عدم تعلق قدرت بر ادخال دنیا در تخم مرغ بدون تغییر در هیچ یک از طرفین، از ممتنع ذاتی است نه نقص در قدرت خداوند متعال. پس محال بودن و نفی ذاتی این قضیه به نقص مقدر (تخم مرغ و دنیا) بازمی گردد، نه نقص قادر (خداوند متعال). به دیگر عبارت، از جمله شرایط تکوینی تأثیرگذار در انجام فعل، قابلیت پذیرش اثر فاعل از سوی ماده است. هنگامی که این اثرپذیری ممکن نباشد، نقص از ماده خواهد بود نه از فاعل آن. همانند وجود شریک برای خداوند متعال و یا اجتماع نقیضین که در خارج و در ذهن وجود

۲۶. برای اطلاعات داده شده و نیز اطلاعات بیشتر در حوزه هولوگرافیک، رک: جهان هولوگرافیک، بخش اول: «نگاهی تازه و استثنایی به واقعیت»، ص ۵۰-۱۰۰.

۲۷. التعلیقة علی أصول الكافي، ص ۱۸۲ - ۱۸۳؛ شرح أصول الكافي، صدر المتألهين، ج ۳، ص ۲۹. الحاشية علی أصول الكافي، ص ۷۸-۷۶؛ الوافی، ج ۱، ص ۳۲۳؛ الشافی، ص ۱۳۸؛ شرح توحید صدوق، ج ۲، ص ۳۸۴ - ۳۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۴۲ و ج ۵۸، ص ۲۵۳؛ شرح اصول الكافي، مازندرانی، ج ۳، ص ۳۸؛ نور البراهین، ج ۱، ص ۳۲۰؛ منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۵، ص ۱۱؛ توحید الإمامية، ص ۳۳۰.

ندارند و عقل تنها بوجه تلفیق، مفهوم آن را تصور می‌کند.

این نظر که فیض کاشانی آن را پاسخ برهانی به مسأله سائل می‌شمارد،^{۲۸} از قلم صدر المتألهین به گونه‌ای دیگر بیان شده است. وی با تحلیل فلسفی خود قایل است که ممتنعات، ماهیت و شیئیتی ندارند تا مقدور خداوند متعال قرار گیرند. پس قدرت عام و فیض خداوندی شامل [همه چیز] است اما ممتنع، ذاتی ندارد تا این قدرت بر آن تعلق گیرد بلکه عقل در توهم خود از طریق تلفیق، مفهومی باطل را اختراع می‌کند و بدان عنوان می‌دهد که این مفهوم از لحاظ امکانی، چه عیناً و چه ذهنناً باطل و غیر قابل ایجاد است.^{۲۹}

۲. پاسخ اقناعی متناسب با فهم سائل

سید مرتضی که در اصل بر جعلی بودن این روایت باورمند است، با فرض احتمال ضعیف صحت صدور روایت می‌گوید، شاید امام صادق علیه السلام به دلیل این که سائل، از زناده و ملحدان انبیاء علیهم السلام بود و به تفاوت میان مقدور و مستحیل واقف نبود، به گونه‌ای پاسخ او را داده که به نفی قدرت و عجز خداوند متعال منجر نشود. لذا پاسخ امام علیه السلام با این فرض است که اگر این عمل مقدور بود، خداوند بر انجام آن قادر می‌بود وگرنه امام علیه السلام خود واقف به جایز نبودن چنین پاسخی است. از نگاه سید مرتضی این نزدیک‌ترین تأویلی است که می‌توان از این خبر خبیث الظاهر ارائه کرد.^{۳۰} این احتمال ضعیف سید مرتضی، در نگاه علامه مجلسی صحیح‌ترین وجه تأویلی به شمار رفته، با این تفاوت آشکار که نه حدیث را جعلی شمرده و نه این وجه را قول ضعیف می‌داند بلکه آن را ظاهرترین وجه می‌خواند. از نگاه ایشان قاصر بودن فهم دیصانی از حق، و منجر شدن پاسخ صریح امام علیه السلام به نفی قدرت خداوند متعال از سوی سائل معاند، موجب شده که امام علیه السلام با علم به این که دیصانی فرق بین وجود عینی و انطباعی را نمی‌داند به گونه‌ای متشابه جواب دهد تا او قانع شده و بازگردد و به جدل نپردازد.^{۳۱} پیش از علامه مجلسی، ملا صدرا و ملا صالح نیز همین نظر را صحیح انگاشته‌اند. از نگاه ملا صدرا ممکن است پاسخ اقناعی امام علیه السلام مبتنی بر مقدمه مشهوری باشد که جمهور عالمان بدان قایل‌اند و آن این که رویت [اعتباری] به داخل شدن مرئیات در

۲۸. الوافی، ج ۱، ص ۳۲۳؛ الشافی، ص ۱۳۸.

۲۹. شرح أصول الکافی، صدر المتألهین، ج ۳، ص ۲۹.

۳۰. الرسائل، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳۱. بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۴۲ و ج ۵۸، ص ۲۵۳.

چشم، منافاتی با دیدن حقیقی مرئی با خروج شعاع ندارد و این پاسخ تنها از آن جهت است که خصم بپذیرد و تسلیم شود.^{۳۲} بنابراین امام علیه السلام فقط بدون التفات به ادخال به «عین» یا «صورت» جسم کبیر در صغیر، آن جواب را داده همان طور که سائل بدون التفات، فقط می خواهد به هر نحوی فرضش اثبات شود. در واقع این ادخال وجود ظلی (شبح واره) در حواس، یک مصداق پاسخ سؤال سائل، بدون فرض عینیت یا مجاز، خواهد بود.^{۳۳} بنابراین پاسخ امام علیه السلام مبتنی بر شرایط و احوال سائل است زیرا پاسخی که صراحتاً از خداوند متعال نفی قدرت کند بر لجاجت دیصانی که اهل عناد است، می افزاید. از این رو امام علیه السلام به صورت اقناعی به وی پاسخ داده است.^{۳۴}

۳. مجاز، نه حقیقت (وجود ظلی و ذهنی، نه عینی)

جمعی از شارحان معتقدند اگر قرار بر تصور و تصویرگری ذهنی باشد (یعنی مفروض مجازی باشد نه حقیقی)، در این صورت به حسب وجود انطباعی و ذهنی، خداوند بر انجام این ادخال قادر است؛ همان گونه که نصف عالم در چشم کوچک تراز عدس جای گرفته. پس مراد روایت در فرض امکان انجام این عمل، وجود عینی نیست بلکه وجود اعتباری و ذهنی است.^{۳۵} علامه مجلسی همین مطلب را با اندکی تفاوت و با تشریح غرض دیصانی از سؤال مطرح می کند. از نگاه وی یکی از وجوه محتمل معنایی روایت آن است که مقصود دیصانی از سؤال، اصل جواز یا عدم جواز امکان دربرگیری جسم بزرگ توسط جسم کوچک، به هر نحو ممکن بوده باشد (اعم از حقیقت یا مجاز و...) که امام علیه السلام به امکان جای گیری وجود ظلی (شبح واره) جسم کبیر در حواس و ماده صغیر، از سیل مجاز اشاره کرده است.^{۳۶} جزائری نیز در همین راستا، پاسخ امام را برخلاف پاسخی که در سؤال و جواب امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام مطرح و پاسخی صریح و حقیقی است، می داند؛ چرا که شیطان یا سائل از امیرالمؤمنین علیه السلام، عالم هستند و با پاسخ اقناعی، راضی نخواهند شد.^{۳۷}

۳۲. شرح اصول الکافی، صدر المتألهین، ج ۳، ص ۲۹.

۳۳. شرح اصول الکافی، مازندرانی، ج ۳، ص ۳۸.

۳۴. نور البراهین، ج ۱، ص ۳۲۰؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۵۰.

۳۵. الحاشیة علی اصول الکافی، ص ۷۶، ۷۸.

۳۶. بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۴۲.

۳۷. نور البراهین، ج ۱، ص ۳۲۰.

۴. زدایش استبعاد ثبوتی و توهم عجز در خداوند متعال

از نگاه محقق داماد روایت در مقام رفع استبعاد ثبوتی قضیه با مثال زدن و اثبات نظیر آن است.^{۳۸} حسینی عاملی نیز این نظر را پذیرفته است.^{۳۹} تشریح این نگرش در قلم علامه مجلسی بدین شکل نمایان شده که دلیل امام علیه السلام در اشاره به توانایی دیده شدن دنیا با چشم، می‌تواند فقط برای رفع توهم بر نسب دادن عجز بر خداوند متعال باشد تا نفی قدرت از انجام فعل محال بر عجز خداوند متعال دلالت نکند، نه بیش از این.^{۴۰}

۵. مجاز از احاطه قلب مؤمن بر دنیا

از نگاه قاضی سعید قمی مراد از جای گرفتن دنیا در تخم مرغ، می‌تواند یک تعبیر مجازی به معنای جای گرفتن دنیا در نفس و قلب عارف باشد؛ همان‌گونه که در حدیث قدسی «لا یسعی أرضی ولا سمائی و یسعی قلب عبدی المؤمن»، مراد از «قلب»، لطیفه الهیه است که در حکمت قدیم به آن «بذر باری» و نیز «طائر عرشی» گفته می‌شد و به قرینه این‌که پرواز از تخم حاصل می‌شود، ممکن است که به آن «البیضة» نیز گفته شود.^{۴۱}

۶. جدال احسن

از نگاه فیض کاشانی پاسخ امام از نوع «پاسخ جدلی (مجادله به احسن)» است.^{۴۲} البته این نظر خالی از اشکال نیست و پس از ایشان به نقد کشیده شد؛ زیرا تصور جدل در این مقام اصلاً صورتی ندارد، معنی جدل آن است که مطلبی را بر خصم لازم آوریم به مقدمه‌ای که مشهور یا مسلم او باشد هر چند به اعتقاد ما حق نباشد، اما در این مقام مقدمه‌ای که بتوان بنای الزام بر آن گذاشت، همین است که تمام اجسام عالم با آن بزرگی مقداری که دارند به اعتبار وجود خارجی در مردمک چشم درآیند، و حق بودن این مقدمه به اعتقاد دیصانی نه تنها اصلاً معلوم نیست، بلکه هیچ مسلمان یا ملحدی به این مقدمه قایل نیست. اگر گفته شود که شاید بنای جدل بر این باشد که در متعارفات گفته می‌شود فلان چیز در چشم من درآمد یا فلان کس در چشم ما جا دارد؛ پرواضح است که مراد از آنچه در

۳۸. التعلیقة علی أصول الکافی، ص ۱۸۲، ۱۸۳.

۳۹. الحاشیة علی أصول الکافی، ص ۷۶-۷۸.

۴۰. بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۴۲.

۴۱. شرح توحید صدوق، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۵.

۴۲. الوافی، ج ۱، ص ۳۲۳.

متعارفات گفته می‌شود این است که فلان چیز را چشم من دید و ادراک کرد و فلان کس همواره در نظر من است، یا آن که آن قدر عزیز است که می‌خواهم او را در چشم خود جا دهم، نه این که آن چیز یا آن شخص با آن عظم مقداری که دارند به اعتبار وجود خارجی در چشم داخل می‌شوند و جای می‌گیرند. این نوعی مغالطه برای اسکات خصم خواهد بود و این‌گونه بحث کردن لایق شأن امام علیه السلام نیست؛ خصوصاً در چنین مطلب عظیمی که بنای دین و ایمان بر آن است و باید از روی یقین و برهان بر آن اطلاع حاصل گردد.^{۴۳}

۷. نقض اجمالی تجرد نفس ناطقه

ملاخلیل قزوینی بر این باور است که همسان با باور فلاسفه (ارسطو و ...)، قصد دیصانی از پرسش، استدلال بر تجرد نفس ناطقه است، برخلاف باور اهل اسلام که قایل به وجود مجردی بجز خداوند متعال نیستند؛ چرا که اگر نفس، مجرد نباشد و جسمانی باشد، مقدار خاصی خواهد داشت و قادر نخواهد بود جسمی بزرگ‌تر از خود را درک کند؛ زیرا لازم می‌آید که بزرگ در کوچک داخل شود، بی‌آن‌که تغییری در طرفین رخ دهد و این محال بالذات است. همچنین هیچ جسمی نمی‌تواند جسم دیگری را بدون تماس با تمام اجزای آن، درک کند. از این رو حاصل جواب امام علیه السلام نقض اجمالی این باور دیصانی است؛ چرا که اگر این استدلال صحیح باشد، ضروری است چشم که جسمانی است، نتواند جسم بزرگ‌تر از خود را درک کند. پس ادراک نفس ناطقه نیز بر فرض جسمانیت، همین‌گونه خواهد بود. در نتیجه آنچه که سائل محال بالذات می‌دانست، محال نبوده، و اگر درک چشم را به معنای داخل شدن در چشم ندانیم پس مقدمه دوم دیصانی که درک جسمی بدون تماس با اجزای آن امکان‌پذیر نیست، باطل خواهد بود.^{۴۴} این دیدگاه نیز از چند جهت قابل نقد است: اول این‌که نام نفس ناطقه، و مجرد و مادی بودن آن، در هیچ یک از بخش‌های روایت، اعم از سؤال سائل و یا پاسخ امام نیامده و این مطلب نه امری است محتاج به تقیه و نه سری است که نباید بیان شود. پس حمل کلام بر این معنا، حملی بدون قرینه است. دوم آن‌که اگر مراد دیصانی چنین باشد، روشن‌گری و توضیح امام علیه السلام درباره قدرت پروردگار بر ادخال بزرگ در کوچک، عبث خواهد بود؛ زیرا سؤال اصلاً از قدرت و عدم قدرت نیست، بلکه توضیح امام علیه السلام باید در مقام بیان امکان و استحاله این معنا باشد تا هشام بتواند با تکیه بر حکم به

۴۳. رک: شرح مناظره الامام الصادق علیه السلام مع الزندیق، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از الکافی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴۴. الشافی فی شرح الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

استحاله، از مجرد بحث کند. در غیر این صورت منافی غرض دیصانی خواهد بود. سوم این که ارسطو چنین استدلالی بر مجرد نفس ناطقه نکرده و آنچه که قزوینی آورده به نقل از ترجمه فارسی رساله ارسطو، توسط بابا افضل کاشی است که منجر به چنین برداشتی شده است. چهارم این که مسلم دانستن باور اهل اسلام به عدم وجود مجردی به غیر از الله نیز صحیح نیست، عالمانی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی در تجرید العقاید در مبحث جواهر، فصلی در باره جواهر مجرده دارد و بعد از آن در وجود عقل مجرد تردید کرده و گفته که دلیلی بر امتناع آن نیست و ادله وجود آن موجود است و نیز نفس ناطقه را جوهر مجرد شمرده و چندین دلیل بر آن ایراد نموده است و...^{۴۵}

ج - رویکرد انکاری

باید سید مرتضی را تنها کسی دانست که رد حدیث را بر پذیرش آن، ترجیح داده است. ایشان با طرح شبهه صحیح نشمردن تجویز امر محال از سوی معصوم علیه السلام و نیز وجود نداشتن تناسب میان سؤال از داخل شدن دنیا در تخم مرغ با پاسخ جای گرفتن تصویر دنیا در مردمک چشم، بیان می‌دارد: کتب شیعه و سنی خالی از خطا و مباحث باطل، اعم از تشبیه، جبر، رویت، قدیم بودن صفات و... نیست. از همین رو نقد حدیث و عرضه آن بر عقل لازم است و آنگاه که عقل آن را پسندید، عرضه آن به ادله صحیح، اعم از قرآن و... لازم خواهد بود که اگر صحیح می‌نمود، حقانیت و صداقت مخبرش تأیید خواهد شد. در غیر این صورت، صرف صداقت راوی خبر واحد، جواز حقانیت روایت نخواهد بود؛ بلکه دو حالت در رویارویی با این گونه روایات - که ظاهری مخالف با حق و به دور از صحت دارند - متصور است: یکی این که با معنایی نزدیک به ظاهر و بدون تکلف و تعسف (بدون دلالت آشکار)، آن را تأویل کرد که در این صورت، جایز است آن را صدق بشماریم. دوم آن که مخرجی برای تأویل بدون تکلف نداشته باشد که در این صورت ما به کذب بودن آن قطع و یقین خواهیم داشت. این خبر (ادخال دنیا در تخم مرغ)، از جمله روایاتی است که در ظاهر، امر محالی معلوم را تجویز کرده، پس ضرورتاً فاسد خواهد بود؛ حتی اگر بزرگانی همچون کلینی و سایر اصحاب ما آن‌ها را در کتاب‌هایشان ذکر کرده باشند. غالباً ترجیح بر جعل و مدسوس انگاشتن این روایاتی است که ظاهری محال و باطل دارند. البته این امکان وجود دارد که این روایت خبیث الظاهر را به وجهی به دور از دلالت ظاهری (با تکلف و تعسف) تأویل کرد.^{۴۶}

۴۵. برای اطلاع بیشتر از نقدهای این نظر رک: شرح مناظره الامام الصادق علیه السلام مع الزندیق، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۳.

۴۶. الرسائل، ج ۱، ص ۴۱۱.

نگاه تأویلی سید مرتضی - که در قالب فرضی بسیار ضعیف و همراه با تکلف خواندن آن طرح شده - همان تأویلی است که پیش تر تحت عنوان «پاسخ اقناعی متناسب با فهم سائل» ذکر آن گذشت. از نگاه ایشان تأویل این روایت از مصادیق تأویل با تکلف و تعسف است. از این رو صحیح نمی نماید و انکارش ترجیح خواهد داشت. این نقطه تقابل رویکرد ایشان به عنوان یک عالم شاخص عقل‌گرا، با علامه مجلسی به عنوان عالم شاخص نقل‌گراست که دقیقاً وجه مردود تأویلی سید مرتضی را صحیح‌ترین وجه معنایی روایت می‌شمارد.^{۴۷}

تحلیل و جمع‌بندی

آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که بحث از تعلق قدرت خداوند بر امور محال، از جمله مباحث کلامی مطرح در بازه زمانی طولانی در عصر حضور اهل بیت علیهم‌السلام است و پرسش از چنین مباحثی از صدر اسلام (دوران امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام) تا زمان ائمه متأخر علیهم‌السلام (امام رضا علیه‌السلام) ادامه داشته است. از سوی دیگر، احوال راویان این احادیث نیز قابل تأمل است؛ چرا که گزارش‌گران آن عمدتاً در زمره متکلمان و اصحاب طراز اول قرار دارند؛ چنان‌که نام افرادی همچون، بزنی، هشام بن حکم، ابن ابی عمیر، ابان بن عثمان و عمر بن اذینه به عنوان ناقلان این پرسش و پاسخ ثبت شده که بیشترشان از اصحاب اجماع‌اند. در مقابل، سائلان این بحث از معصومان علیهم‌السلام نیز، یا افراد عادی و معمولی‌اند که با نام «رجل» از ایشان یاد شده هستند و یا افراد آگاه، اما معاندی همچون ابلیس و دیسانی‌اند که نشان می‌دهد این پرسش یا از جهل و کم‌سوادی سائلان برخاسته و یا از علم همراه با عناد و دشمنی. حال با توجه به این نکات، زیبایی پاسخی امامان علیهم‌السلام درک می‌شود که به فراخور حال و نیاز راویان، گاه پاسخی دقیق و حقیقی و گاه پاسخی مجازی و اسکاتی داده‌اند تا نه عالمان از حقیقت بی‌بهره بمانند و نه دست‌آویزی برای نفی قدرت خداوند متعال برای نادانان و معاندان ایجاد گردد. با توجه به شخصیت علمی و قوت استدلالی هشام بن حکم، احتمال قوی بر آن است که ایشان متوجه نکته محال ذاتی بودن سؤال دیسانی بوده، اما دلیل پاسخ ندادن او آن است که وی می‌داند که با تذکره به محال بودن صورت سؤال، دیسانی - که از روی عناد چنین پرسشی را طرح کرده - قانع نخواهد شد و در واقع، پیام سؤال دیسانی محدود کردن قدرت خداوند متعال است. از این رو احتیاط را شرط عقل دانسته و از امام صادق علیه‌السلام مدد می‌گیرد تا پاسخی ارائه دهد که دغدغه عدم نفی قدرت خداوند متعال را پوشش دهد و رخداد

۴۷. رک: بحث از «پاسخ اقناعی متناسب با فهم سائل» همین نوشتار.

چنین احتیاطی از سوی یک مؤمن، بسیار عالمانه و زیباست. بیشتر عالمان شیعی، اعم از عقل‌گرا و نقل‌گرا، این روایت را یا پذیرفته و یا تأویل کرده‌اند. جالب این‌که حدس‌ها و نظریات این دو گروه بسیار به هم نزدیک است؛ به گونه‌ای که میانشان نوعی هم‌باوری و گرایش فکری یکسان در این حوزه به چشم می‌خورد. دیدن نام میرداماد، ملاصدرا، بدرالدین عاملی، فیض کاشانی، قاضی سعید قمی، علامه مجلسی، مازندرانی، جزائری، آقای خوبی و... در کنار هم، نشان می‌دهد که ممیزه عقل‌گرایی و نقل‌گرایی در اخذ رویکردی متفاوت نسبت به این روایت بی‌تأثیر است و تنها اختلاف آنان در سبک تحلیل و بیان وجوه معنایی است که متناسب با یافته‌های علمی خود ارائه می‌دهند. این خود نشان می‌دهد، تفاوت گرایش و مبانی فکری اگرچه در برخی موارد منجر به تفاوتی آشکار و جهت‌گیری متضاد در فهم حدیث است، اما در بیشتر مواقع تنها، تغییر در مسیر دستیابی به معنایی یکسان و نتیجه‌ای واحد را سبب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از آنچه ذکر شد، مشخص می‌شود:

۱. اشاره به نقص مقدور، نه نقص قادر (فاعل)؛ پاسخ اقناعی متناسب با فهم سائل؛ مجاز، نه حقیقت (وجود ظلی و ذهنی، نه عینی)؛ زدایش استبعاد ثبوتی و توهم عجز در خداوند متعال؛ مجاز از احاطه قلب مؤمن بردنیا؛ جدال احسن؛ نقض اجمالی تجرد نفس ناطقه، از جمله وجوه تأویلی مطرح در معنای این روایت‌اند.
۲. به جز سید مرتضی، سایر عالمان شیعی، به «تبیین» یا به «تأویل»، روایت را پذیرفته‌اند و این پذیرش نه تنها به تکلف و تعسف نیانجامیده، بلکه لزوم دقت در نگرش چندبعدی در فهم حدیث و نفی تحلیل فقط عقلی تک‌بعدی را به تصویر می‌کشد.
۳. توجه به علوم و دانش روز می‌تواند خوانشی جدید از یک روایت ارائه دهد و گاه به کشف مفهومی متفاوت و دفاع از ظاهر غریب یک روایت بیانجامد.
۴. نظریه‌های «هولوگرافیک» و «حذف فضای خالی اتم» در دانش فیزیک، به نوعی امکان تغییر در زمین دلالت دارند که ثمره آن محال نبودن جاشدن دنیا در تخم مرغ با تغییر طرفین است.
۵. بازخورد نظریات دانشیان شیعی نشان می‌دهد، تفاوت گرایش و مبانی فکری اگرچه در

برخی موارد منجر به تفاوتی آشکار و جهت گیری متضاد در فهم حدیث است، اما در بیشتر مواقع تنها، تغییر در مسیر دست یابی به معنایی یکسان و نتیجه ای واحد را سبب می گردد.

پیوست ۱

متن روایت	معصوم	اسناد روایت	منبع	
ألك رب؟ فقال: بلى، قال أقادر هو؟ قال: نعم قادر قاهر قال: يقدر أن يدخل الدنيا كلها البيضة لا تكبر البيضة ولا تصغر الدنيا؟ قال هشام: النظره... يا هشام! فانظر أمامك وفوقك وأخبرني بما ترى، فقال: أرى سماء وأرضا ودورا وقصورا وبارى وجبالا وأنهارا فقال له أبو عبد الله <small>عليه السلام</small> : إن الذي يقدر أن يدخل الذي تراه العدسة أو أقل منها قادر أن يدخل الدنيا كلها البيضة لا تصغر الدنيا ولا تكبر البيضة،....	الصادق <small>عليه السلام</small>	على بن إبراهيم، عن محمد بن إسحاق الخفاف أو عن أبيه، عن محمد بن إسحاق قال: إن عبد الله الديصاني سأل هشام بن الحكم حدثنا محمد بن موسى بن المتوكّل رضى الله عنه، قال: حدثنا على بن إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبى إسحاق الخفاف، قال: حدثني عدة من أصحابنا أن عبد الله الديصاني أتى هشام بن الحكم	الكاظمي بن الكليني	۱.
جاء رجل إلى الرضا <small>عليه السلام</small> فقال: هل يقدر ربك أن يجعل السماوات والأرض وما بينهما في بيضة؟ قال: نعم، وفي أصغر من البيضة، قد جعلها في عينك وهي أقل من البيضة، لأنك إذا فتحتها عاينت السماء والأرض وما بينهما، ولو شاء لأعماك عنها	الرضا <small>عليه السلام</small>	حدثنا على بن أحمد بن عبد الله البرقي رحمه الله، قال: حدثنا أبى، عن جده أحمد بن أبى عبد الله، عن أحمد بن محمد بن أبى نصر، قال:	الترجمي باصدوق	۲.
جاء رجل إلى أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> فقال: أيقدر أن يدخل الأرض في بيضة ولا يصغر الأرض ولا يكبر البيضة؟ فقال: ويلك، إن الله لا يوصف بالعجز ومن أقدر ممن يطفى الأرض ويعظم البيضة	الصادق <small>عليه السلام</small>	حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن ابن أبى عمير، عن أبان بن عثمان،		

متن روایت	معصوم	استناد روایت	منبع
<p>قيل لأمير المؤمنين <small>عليه السلام</small>: هل يقدر ربك أن يدخل الدنيا في بيضة من غير أن يصغر الدنيا أو يكبر البيضة؟ قال: إن الله تبارك وتعالى لا ينسب إلى العجز، والذي سألتني لا يكون</p>		<p>حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه الله، عن عمه محمد بن أبي القاسم، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي أيوب المدني عن محمد بن أبي عمير، عن عمر بن أذينة</p> <p>حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن ابن أبي عمير، عن أبان بن عثمان،^{٤٨}</p>	
<p>إن إبليس قال: لعيسى بن مريم <small>عليه السلام</small>: أيقدر ربك على أن يدخل الأرض بيضة لا يصغر الأرض ولا يكبر البيضة؟ فقال عيسى <small>عليه السلام</small>: ويلك على أن الله لا يوصف بعجز، ومن أقدر ممن يلطف الأرض ويعظم البيضة</p>		<p>حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار رحمه الله، قال: حدثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبي عمير، عن ذكره،</p>	

٤٨. نقل ابان بن عثمان كمي با نقل عمر بن اذينه متفاوت است كه اين تفاوت تأثیری در اصل محتوا ندارد: «عن ابی عبد الله عليه السلام قال: جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: أيقدر أن يدخل الأرض في بيضة ولا يصغر الأرض ولا يكبر البيضة؟ فقال: ويلك، إن الله لا يوصف بالعجز ومن أقدر ممن يلطف الأرض ويعظم البيضة.»

کتابنامه

- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، تعلیق و ملاحظات: سید محمد باقر خراسان، نجف: دار النعمان، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- التعلیقہ علی اصول الکلینی، محمد باقر میرداماد، قم: خیام، ۱۴۰۳ق.
- التوحید، محمد بن علی صدوق، تصحیح و تعلیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، بی تا.
- توحید الإمامیة، محمد باقر ملکی، اهتمام: علی ملکی میانجی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- جهان هولوغرافیک، میخائیل البوت، ترجمه: داریوش مهرجویی، بی تا، بی نا، بی تا.
- الحاشیة علی أصول الكافی، سید بدر الدین بن احمد حسینی عاملی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۵ق.
- حوار بین الالهیین و المادیین، محمد صادقی، بیروت، دوم، ۱۴۰۷ق.
- رسائل الشریف المرتضی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دار القرآن کریم، ۱۴۰۵ق.
- الشافی فی شرح الكافی، قزوینی، ملاخلیل، بی جا، بی تا، ۱۴۲۹ق.
- الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام، فیض کاشانی، تهران، دار اللوح المحفوظ، ۱۳۸۳ش.
- شرح أصول الكافی، صدر المتألهیین، تهران، اول، ۱۳۶۶ش.
- شرح أصول الكافی، مولی محمد صالح مازندرانی، تعلیقات: میرزا ابوالحسن شعرانی، ضبط و تصحیح: سید علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م.
- شرح توحید الصدوق، قاضی سعید قمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
- شرح مناظرة الإمام الصادق عليه السلام مع الزنديق، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافى، محمد بن عبدالله بن علی بحرانی، تحقیق: محمد حسین درایتی، بی تا، بی نا، بی تا.
- الكافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، پنجم، ۱۳۶۳ش.

- مجمع البحرين، فخرالدين طريحي، تهران: طراوت، دوم، ۱۳۶۲ش.
- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ﷺ، محمدباقر مجلسي، تصحيح: سيد هاشم رسولي، تهران: دارالكتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
- منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، حبيب الله هاشمي خوئي، سيد إبراهيم الميانجي، تهران: بنياد فرهنگ امام المهدي ﷺ، چهارم، ۱۳۶۰ش.
- نور البراهين، سيد نعمة الله جزائري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، اول، ۱۴۱۷ق.
- الوافي، فيض كاشاني، تحقيق وتصحيح: ضياء الدين حسيني، اصفهان: مكتبة الامام أميرالمؤمنين علي ؑ، اول، ۱۴۰۶ق.
- روزنامه جام جم، شماره ۴۷۸۵ به تاريخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴.
- *Physical Chemistry*، Mortimer، Robert G.(2008): Third Edition. Elsevier Academic Press
- *Table of experimental nuclear ground state charge radii: An update*. Angeli، I.، Marinova، K.P. (January ,102013). Atomic Data and Nuclear Data Tables 99
- www.businessinsider.com ،1397/9/15
- www.nssdc.gsfc.nasa.gov ، 1397/11/28